



The Legal Status of Settlers in Occupied Palestinian Territories

Ali Ahadi Karnagh*, Fatemeh Fooladi**

Abstract

Since the establishment of Israel by the United Nations in 1948, Israel has sought to annex Palestinian lands through various crimes and acts of violence. Subsequently, it established settlements on this land, relocating populations from different parts of the world, often accompanied by the expulsion of indigenous Palestinians. Paragraph 4 of Article 49 of the Fourth Geneva Convention explicitly prohibits the deportation of protected persons from occupied territories. However, decisions by the Israeli Supreme Court have not consistently addressed deportations carried out by military authorities under the guise of security concerns.

The objective of this article is to examine the legal status of settlers residing in the occupied Palestinian territories. Settlers, at times, engage in military activities or volunteer as human shields to assist the occupying regime, blurring the line between civilian and military roles. While occupation law aims to protect both civilians and occupying forces, ambiguity surrounds the status of civilians in occupied territories.

This article delves into the adherence to the principle of distinguishing between military and civilian entities during wartime, as outlined in international humanitarian law. Specifically, it analyzes the role of Israeli

How to Cite: Ahadi Karnagh, A., Fooladi, F. (2024). The Legal Status of Settlers in Occupied Palestinian Territories, *Journal of Legal Studies*, 16(1), 145-178.

* Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, College of Farabi, University of Tehran.

Email: Ali.ahadi70@ut.ac.ir

** Ph.D. student, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

Email: fooladi.121@gmail.com.

settlers in occupied areas resulting from Israel's settlement policies, exploring whether their presence supports the maintenance and stabilization of the occupation within the framework of humanitarian law. It also raises questions regarding the settlers' classification as human shields, their settlements as forms of military assistance, and whether they can be targeted as combatants.

Occupation law primarily aims to safeguard the civilian population in occupied areas and protect the rights of the occupied state, given the illegality of the occupation. Thus, the restrictive nature of these rules and the need for a narrow interpretation must be considered when interpreting the law governing occupation. In the absence of explicit legal provisions, the occupying government is prohibited from taking actions that violate humanitarian law principles.

While civilians are entitled to protection under international humanitarian law, this protection is revoked if they directly participate in hostilities or aid occupiers, making them legitimate military targets. This principle applies to settlers in occupied areas as well.

Furthermore, the transfer of civilian populations to occupied areas is strictly prohibited, and settlements near borders raise concerns of settlers being used as human shields to protect military installations. Settlers involved in conflicts may be classified as combatants and legitimate targets, especially if they act as human shields.

This article, using an analytical-descriptive approach, aims to demonstrate that residents of occupied territories can be considered combatants based on their engagement in armed violence and military activities. Through the implementation of multiple military laws, the occupying regime has effectively controlled Palestinian territory and allocated it to military settlers. The settlers' use of violence against Palestinians has significantly furthered the occupying regime's objectives. Settlers who relocate through Israeli population transfer policies and do not engage in military activities effectively become human shields for the Israeli regime's actions, potentially altering their legal status to that of combatants.

Keywords: Settlers, armed violence, military activity, civilian, combatant, Human Shield.

Article Type: Research Article.

وضعیت حقوقی شهرک‌نشینان مناطق اشغالی فلسطین

علی احدی کرنق*، فاطمه فولادی**

چکیده

رژیم اسرائیل از سال‌های ابتدایی اشغال سرزمین فلسطین، شهرک‌سازی در مناطق اشغالی را آغاز کرد. با توجه به اشغالی بودن و حاکمیت حقوق بشر دوستانه در این مناطق و ممنوعیت انتقال شهروندان به مناطق اشغالی، وضعیت حقوقی شهرک‌نشینان از ابتدا محل بحث بوده است. پرسش این است که شهرک‌نشینان مناطق اشغالی که به ظاهر نقشی در مخاصمه میان رژیم صهیونیستی و فلسطینیان ندارند، با توجه برخی فعالیت‌هایشان، آیا می‌توان آنان را هدف مشروع نظامی فرض کرد؟ فرضیه اولیه مقاله این است که در صورتی که شهرک‌نشینان مناطق اشغالی را رزمنده محسوب شوند، فلسطینیان حق دارند آن‌ها را مورد هدف قرار دهند. نوشتار حاضر قصد دارد با توجه به حقوق حاکم بر اشغال و وضعیت حقوقی غیرنظامیان در مناطق اشغالی، حاکمیت قوانین نظامی در این شهرک‌ها، خشونت مسلحانه آنان و همچنین فعالیت‌های نظامی آنان در این مناطق، رزمنده بودن آنان را اثبات کند. همچنین دیگر شهرک‌نشینان رژیم صهیونیستی که چنین فعالیتی ندارند و با سیاست‌های انتقال جمعیت اسرائیل به شهرک‌های مناطق اشغالی منتقل شده‌اند، عملاً تبدیل به سپر انسانی اقدام‌های رژیم اسرائیل شده‌اند؛ سپرهای انسانی که در صورتی که داوطلبانه در این مناطق ساکن شده باشند، وضعیت حقوقی آنان به مفهوم رزمنده نزدیک می‌شود.

واژگان کلیدی: شهرک‌نشینان، خشونت مسلحانه، فعالیت نظامی، غیرنظامیان، رزمنده، سپر انسانی.

* استادیار حقوق بین‌الملل، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: Ali.ahadi70@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: fooladi.121@gmail.com

نوع مقاله: مقاله پژوهشی.

سرآغاز

از ابتدای تأسیس اسرائیل توسط سازمان ملل متحد در سال 1948 تاکنون، اسرائیل با انجام خشونت‌ها و جنایات مختلف به دنبال انضمام زمین‌های فلسطینیان به خود بوده است. در ادامه شهرک‌هایی در این سرزمین تأسیس و جمعیت‌هایی را از نقاط مختلف جهان به آن منتقل کرد که با اخراج مردم اصلی فلسطین همراه بوده است. بند 4 ماده 49 کنوانسیون چهارم ژنو هر نوع اخراج افراد موردحمایت از سرزمین‌های اشغالی را ممنوع می‌کند. باین‌حال، آرای مختلف دیوان عالی اسرائیل، اخراج‌هایی که توسط مقام‌های نظامی به دلایل امنیتی انجام می‌شود را مشمول این ممنوعیت نمی‌داند (Kretzmer, 2002: 187).

شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه 242، زمین‌های اشغال‌شده را تا سال 1967 برای اسرائیل به رسمیت شناخت و هرگونه انتقال جمعیت غیرنظامی اسرائیل به فلسطین و شهرک‌سازی‌های بعدازآن تاریخ را نقض جدی کنوانسیون چهارم ژنو اعلام کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای نخستین بار در دسامبر 1971 قطعنامه‌ای را تصویب کرد که شهرک‌سازی‌ها را به‌عنوان امری «کاملاً باطل» محکوم می‌کرد. لازم به ذکر است در آن زمان کمتر از 10000 شهرک‌نشین در اراضی اشغال‌شده فلسطین وجود داشت. از آن زمان، مجمع عمومی 163 قطعنامه را تصویب کرده است که به‌طور خاص شهرک‌سازی‌های اسرائیل را غیرقانونی می‌داند. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز از سال 1979 هفت قطعنامه را تصویب کرده که شهرک‌های اسرائیل را غیرقانونی می‌داند. دیوان عالی اسرائیل در این راستا اعلام کرده است شهرک‌های غیرنظامی که برای حفظ نظم و امنیت عمومی اسرائیل ضروری است از دامنه شمول این محدودیت‌ها خارج هستند (Roberts, 1990: 84). آخرین قطعنامه شورا، قطعنامه 2334، مصوب دسامبر 2016 است که شهرک‌ها را «نقض فاحش قوانین بین‌المللی» خواند و از اسرائیل خواست «فوراً و به‌طور کامل تمامی فعالیت‌های شهرک‌سازی را متوقف کند» (Lynk, 2023).

وضعیت اشغال فلسطین وضعیتی خاص در جهان است که نمونه‌ای دیگر برای آن وجود ندارد و بیش از 70 سال به درازا کشیده است. اسرائیل در این 70 سال با انتقال افراد با ملیت‌های مختلف به فلسطین اشغالی در پی جمعیت‌سازی و سرزمین‌سازی برای کشور جعلی خود بوده و به‌واقع به‌واسطه همین افراد، اخراج مردم فلسطین از سرزمین اصلی خود ادامه داشته است. لکن بررسی وضعیت حقوقی جمعیت انتقالی به این سرزمین‌ها که به‌طور آگاهانه و داوطلبانه به آنجا آمده‌اند و عنصر ضروری و حتمی برای انضمام سرزمین‌های فلسطینیان به اسرائیل محسوب می‌شوند از سوی حقوقدانان مغفول بوده است. مقاله پیش رو با رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی آن است که بر اساس موازین حقوق بین‌الملل در سه بخش حقوق حاکم بر اشغال در حقوق بین‌الملل، وضعیت حقوقی غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی و وضعیت حقوقی شهرک‌نشینان در سرزمین‌های اشغالی، به بررسی وضعیت حقوقی شهرک‌نشینان اسرائیلی بپردازد.

1. حقوق حاکم بر اشغال در حقوق بین‌الملل

ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های ژنو و ماده 1 پروتکل الحاقی اول، قلمرو موضوعی اجرای حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی را مشخص کرده‌اند.¹ از مجموع این

1. ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های ژنو؛ علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به‌موقع اجرا گذاشته شود این قرارداد در صورت جنگ رسمی (*declared war*) یا هرگونه مخاصمه مسلحانه (*armed conflict*) که بین دو یا چند دولت از دول معظم متعاقد روی دهد به‌موقع اجرا گذارده خواهد شد ولو آنکه یکی از آن دول وجود حالت جنگ را تصدیق نکرده باشد. این قرارداد در هر مورد که تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظم متعاقد اشغال (*partial or total occupation*) شود نیز به‌موقع اجرا گذاشته خواهد شد ولو آنکه اشغال مزبور با هیچ‌گونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد. هرگاه یکی از دول متخاصم عضو این کنوانسیون نباشد دولت‌های متخاصم دیگر که عضو این کنوانسیون هستند در روابط متقابل خود تابع این قرارداد خواهند بود و چنانچه آن دولت مقررات این کنوانسیون را قبول و اجرا کند در مقابل او نیز ملزم به اجرای این قرارداد خواهند بود.

بند 3 ماده 1 پروتکل الحاقی اول: پروتکل حاضر که مکمل کنوانسیون‌های ژنو مورخ 12 اوت 1949 میلادی راجع به حمایت از قربانیان جنگ است. به وضعیت مورد اشاره در ماده 2 کنوانسیون‌های مذکور تسری می‌یابد.

مواد می‌توان چهار حالت را برای آستانه وقوع مخاصمه مسلحانه بین‌المللی برداشت کرد. این حالت‌ها ترجمان حقوق بین‌الملل عرفی است که در کنوانسیون‌های ژنو متجلی شده است و شامل شرایط اعلان جنگ، هرگونه مخاصمه مسلحانه، اشغال سرزمین و مبارزه با سلطه استعماری و اشغال بیگانه و بر ضد نظام‌های نژادپرست می‌شود.

اشغال در حقوق بین‌الملل وضعیتی است که در آن قلمرو سرزمینی یک کشور عملاً تحت اقتدار ارتش کشور دیگر قرار گیرد (H.V (IV), 1907, art: 42). در اشغال هم مقررات حق بر جنگ و هم مقررات حق در جنگ یعنی حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم خواهد بود. این وضعیت که نتیجه تجاوز سرزمینی است مقررات حق بر جنگ را دخیل می‌کند. اولین سند حقوق بین‌الملل بشردوستانه که مقررات اشغال را تدوین کرد کنوانسیون چهارم لاهه در مورد رعایت قوانین و آداب‌ورسوم جنگ‌های زمینی بود (ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو). پس از حقوق لاهه، طبق ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های ژنو «حقوق مخاصمات مسلحانه در ... موردی که تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظم متعاقد اشغال شود نیز به‌موقع اجرا گذاشته خواهد شد ولو آنکه اشغال مزبور با هیچ‌گونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد. کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ¹ بخش سوم خود را به اراضی اشغالی و مسئولیت‌های دولت اشغالگر اختصاص داده است. پروتکل الحاقی اول نیز در تکمیل وضعیت‌هایی که حقوق مخاصمات مسلحانه بر آن حاکم است وضعیت دیگری را اضافه می‌کند «...که در آن ملت‌ها جهت احقاق حق تعیین سرنوشت خود به نحو مندرج در منشور ملل متحد و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص مناسبات و

بند 4 ماده 1 پروتکل الحاقی اول: وضعیت‌های مورد اشاره در بند قبل شامل مخاصمات مسلحانه‌ای می‌شود که در آن ملت‌ها جهت احقاق حق تعیین سرنوشت خود به نحو مندرج در منشور ملل متحد و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص مناسبات و همکاری دوستانه طبق منشور ملل متحد به مبارزه با سلطه استعماری و اشغال بیگانه و بر ضد نظام‌های نژادپرست می‌پردازند.

1. Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva, 12 August 1949.

همکاری دوستانه طبق منشور ملل متحد به مبارزه با سلطه استعماری و اشغال بیگانه و بر ضد نظام‌های نژادپرست می‌پردازند.¹

سرزمین اشغالی از آن دولت اشغال‌شده است و حتی پس از اشغال حاکمیت قوانین دولت اشغال‌شده نیز در آن ادامه پیدا خواهد کرد؛ بنابراین علاوه بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق دولت اشغال‌شده نیز در مناطق اشغالی همچنان مجری خواهد بود. سومین دسته از حقوق حاکم بر سرزمین‌های اشغالی حقوق ناشی از قوانینی است که دولت اشغالگر به موجب حقوق بشردوستانه بین‌المللی مجاز است در سرزمین‌های اشغالی وضع کند.

رابرت کُلب قواعد اشغال را در دودسته کلی تقسیم‌بندی می‌کند: اول آن‌که قواعد اشغال سعی دارد وضعیت موجود را تا حد امکان حفظ کند؛ دوم آن‌که این قواعد رعایت حقوق فردی غیرنظامیان را الزامی می‌داند (Kolb and Hyde, 2008: 231-233).

ماده 43 کنوانسیون لاهه در خصوص تعهد به حفظ وضعیت موجود سرزمین‌های اشغالی قدرت اشغالگر را ملزم می‌کند کلیه اقدام‌هایی را که تا حد امکان لازمه بازگرداندن و تضمین نظم و امنیت عمومی است، انجام دهد. (H.V (IV), 1907, art: 43). تعهد به حفظ وضعیت سرزمین‌های اشغالی جنبه‌های مختلفی دارد. به‌عنوان مثال طبق ماده 53: «انهدام اموال منقول و یا غیرمنقولی که انفراداً یا اشتراکاً متعلق به اشخاص یا دولت یا شرکت‌های عمومی یا سازمان‌های اجتماعی و یا تعاونی باشد توسط دولت اشغال‌کننده ممنوع است...» (G.V(IV), 1949, art: 53) و طبق ماده 64 کنوانسیون چهارم ژنو «قوانین جزایی اراضی اشغال‌شده به قوت خود باقی خواهند ماند...» (H.V (IV), 1907, art: 64). ممنوعیت دخالت در حقوق خصوصی از جمله خانواده، اموال و مالکیت و ممنوعیت مصادره و همچنین ممنوعیت غارت نیز از جمله دیگر تعهدات دولت اشغالگر است.

1. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977, article 1 (4).

اشغال محصول و مصداق تجاوز سرزمینی است¹ و دولت اشغالگر چنانچه سودای حاکمیت دائمی بر سرزمین اشغالی داشته باشد، در اقدام بعدی آن را به خاک خود ضمیمه خواهد کرد. از این منظر دولت اشغالگر طبق حقوق بشردوستانه و قواعد حق در جنگ وظیفه تعهد به حفظ وضعیت موجود سرزمین اشغالی را دارد و این به معنای آن است که حق انضمام مناطق اشغالی را نخواهد داشت. از سوی دیگر به موجب قواعد حق بر جنگ باید سرزمین اشغالی را تخلیه و به دولت اشغال شده واگذارد. بی دلیل نیست که در 22 نوامبر 1967، شورای امنیت به اتفاق آرا قطعنامه 242 (1967) را تصویب کرد که بر غیرقابل قبول بودن اکتساب قلمرو از طریق جنگ تأکید کرد و خواستار «خروج نیروهای مسلح اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شده در درگیری اخیر» و «خاتمه تمام ادعاها یا حالات مخاصمه مسلحانه» شد. (SC.res 242, 1967, para (1) (i) and (ii))

از سال 1967 شورای امنیت پس از یادآوری چندباره «اصل غیرقابل قبول بودن تصرف سرزمین از طریق فتح نظامی» (SC.res 298 (1971))

آن اقدام‌ها را محکوم کرد و با قطعنامه 298 (1971) مورخ 25 سپتامبر 1971، به روشن‌ترین عبارات ممکن تأیید کرد که: «کلیه اقدام‌های قانونی و اداری اسرائیل برای تغییر وضعیت شهر اورشلیم، از جمله مصادره زمین و املاک، انتقال جمعیت و قوانینی که هدف آن الحاق بخش اشغالی است، کاملاً بی اعتبار است و نمی‌تواند این وضعیت را تغییر دهد» (SC.res 298, 1971, para:2).

بنا بر آنچه در مورد حقوق اشغال گفته شد این قواعد در درجه اول سعی در حمایت از جمعیت غیرنظامی منطقه اشغالی دارد. در نگاه دوم قواعد حقوق اشغال با

1. ماده 1 قطعنامه تعریف تجاوز، تجاوز را این‌گونه تعریف کرده است: «کاربرد نیروی نظامی از سوی یک دولت علیه حاکمیت، یکپارچگی سرزمینی و استقلال سیاسی کشوری دیگر یا در هر وضعیتی مغایر با منشور ملل متحد». یکی از مصادیق تجاوز سرزمینی در این قطعنامه عبارت است از «هرگونه اشغال نظامی یا ضمیمه کردن تمام یا بخشی از خاک کشوری دیگری از طریق توسل به زور».

UN General Assembly, Definition of Aggression, 14 December 1974, A/RES/3314.

توجه به غیرقانونی بودن اصل اشغال سعی می‌کند از حقوق دولت اشغال‌شده صیانت کند؛ بنابراین در تفسیر مقررات حاکم بر اشغال باید ویژگی محدودکننده این قواعد و لزوم تفسیر مضیق آن‌ها را در نظر گرفت. نتیجه این نگاه این است که در خلأ قواعد حقوقی دولت اشغالگر مجاز به انجام هر اقدامی نیست بلکه اقدام‌های وی باید بر اساس اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه تفسیر شود.

2. وضعیت حقوقی غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی

شرایط اشغال سرزمین شرایطی است که در آن دولت مهاجم نه حالت جنگی را اعلام می‌کند و نه با مقاومتی از سوی دولت مقابل روبرو می‌شود و با این حال بخشی از سرزمین دولت مقابل را به تصرف خود درمی‌آورد. در این حالت سرزمین دولت مقابل سرزمین اشغالی نامیده می‌شود و مردم سرزمین اشغالی ممکن است تحت قوانین نیروهای نظامی خارجی قرار گیرند. حتی اگر بعد از اتمام درگیری حالت اشغال سرزمین باقی بماند باز حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مناطق اشغالی اعمال خواهد شد. مثال بارز آن سرزمین‌های اشغالی کرانه باختری و غزه است. از جمله مسائلی که در شرایط اشغال سرزمین موضوعیت پیدا می‌کند وضعیت حقوقی غیرنظامیان است و حقوق بین‌الملل بشردوستانه قواعدی را در این خصوص به نظم درآورده است.

از جمله مهم‌ترین مسئله‌ای که در ارتباط با وضعیت حقوقی غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی مطرح می‌شود، حمایت از ایشان در شرایط مذکور است. به‌طور خاص کنوانسیون چهارم ژنو به بیان قواعدی این راستا می‌پردازد. این کنوانسیون بدون آن‌که تفکیکی میان غیرنظامیان سرزمین اصلی اشغالی و غیرنظامیان وابسته به دولت یا قدرت اشغالگر قائل شود، به حمایت‌هایی که غیرنظامیان از آن‌ها برخوردارند و به‌طور ویژه، به وظایف قدرت اشغالی در قبال غیرنظامیان پرداخته است.

بر اساس ماده 66 کنوانسیون چهارم ژنو غیرنظامیان باید بتوانند به زندگی روزمره خود طبق معمول ادامه دهند، نیروهای اشغالگر مسئول تأمین و حفظ نظم عمومی

هستند. بر اساس ماده 49 کنوانسیون چهارم ژنو هرگونه تبعید و انتقال غیرنظامیان به مکان دیگر به طور کلی ممنوع است. طبق مواد 33 و 53 کنوانسیون چهارم ژنو، غارت و تخریب غیرضروری مستغلات و دارایی‌ها ممنوع است. نیروهای اشغالگر مسئول تأمین رفاه کودکان (G.V (IV), 1949, art: 50)، تأمین دارو و خدمات پزشکی (G.V (IV), 1949, art: 56)، تضمین به مقصد رسیدن محموله‌های امدادی توسط قدرت اشغالگر، (G.V (IV), 1949, art: 60) و تأمین مواد غذایی (G.V (IV), 1949, art: 55) برای کل مردم هستند. لذا باید ورود و انتقال محموله‌های امدادی را تسهیل کنند (G.V (IV), 1949, art: 59-62). مقام‌ها، ادارات و مؤسسات دولتی و خصوصی باید طبق معمول به کار خود ادامه دهند (G.V (IV), 1949, art: 54, 63, 64). نیروهای اشغالگر می‌توانند در مقابل اعمال خصمانه‌ای که نسبت به مقام‌های اداری یا اعضاء نیروهای مسلح صورت می‌پذیرد از خود دفاع کنند و در این راستا قوانینی نیز وضع کنند (G.V (IV), 1949, art: 64). آن‌ها می‌توانند متهمان را در دادگاه‌های خود محاکمه کنند (G.V (IV), 1949, art: 66)؛ اما بدون محاکمه رسمی، هیچ حکمی قابل اجرا نخواهد بود (G.V (IV), 1949, art: 71). در هر شرایطی باید به شأن، شخصیت، حقوق خانوادگی، عقاید، مراسم مذهبی، غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی احترام گذاشته شود و با ایشان به صورت انسانی رفتار شود (G.V (IV), 1949, art: 27). هیچ‌گونه زورگویی نسبت به آنان صورت نپذیرد (G.V (IV), 1949, art: 31). از تمامی افراد به خصوص زنان نسبت به هرگونه اهانت جنسی حمایت شود (G.V (IV), 1949, art: 27) و اگر غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی بازداشت شوند - در صورتی که بازداشت ایشان به مثابه مجازات نباشد - باید با ایشان مشابه اسرای جنگی رفتار شود (G.V (IV), 1949, art: 79-135).

علاوه بر حمایت‌های ناظر بر غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی، بند 6 ماده 49 کنوانسیون چهارم ژنو در رابطه با جمعیت غیرنظامی وابسته به قدرت اشغالگر مقرر می‌دارد: «قدرت اشغالگر نباید بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمینی که اشغال کرده است تبعید یا منتقل کند». این بند به صراحت عمل استقرار غیرنظامیان

وابسته به قدرت اشغالگر در سرزمین‌های اشغالی را ممنوع کرده است؛ هدف این ممنوعیت حفظ ساختار جمعیتی و اجتماعی سرزمین اشغالی و منع تلاش‌های یک قدرت اشغالگر برای تلقی این سرزمین به‌عنوان ثمره فتح بوده است.

پروتکل الحاقی اول، در بند 4 (الف) ماده 85 زبان استفاده‌شده در بند 6 ماده 49 را تکرار کرد؛ با این تفاوت که استقرار جمعیت غیرنظامی توسط قدرت اشغالگر به سرزمینی که اشغال کرده را به‌عنوان یک «نقض بزرگ» و «جنایت جنگی» ارتقا می‌دهد. در این راستا می‌توان اذعان داشت غیرنظامیانی که داوطلبانه در سرزمین اشغال‌شده توسط قدرت اشغالگر مستقر می‌شوند، وضعیت اشغال را که با مخاصمه مسلحانه ممزوج است، تثبیت می‌کنند. لذا بر اساس بند 3 ماده 51 پروتکل الحاقی اول که بیان می‌کند: «غیرنظامیان از محافظت عمومی در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی برخوردارند مگر اینکه و در زمانی که مستقیماً در مخاصمات شرکت کنند»، می‌توان استدلال کرد این افراد از حمایت‌های ذکرشده در کنوانسیون‌های ژنو نسبت به غیرنظامیان محروم می‌شوند.

مسئله مهم دیگر در ارتباط با وضعیت غیرنظامیان در شرایط اشغال سرزمین، لزوم رعایت اصل تفکیک میان ایشان و نظامیان است. اصل تفکیک یکی از پایه‌ای‌ترین و مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این اصل در رابطه با غیرنظامیان تمامی مخاصمات اعم از مخاصمات بین‌المللی و مخاصمات داخلی و همچنین در رابطه با غیرنظامیان حاضر در سرزمین‌های اصلی مردمان و سرزمین‌های اشغالی حاکم است و کنوانسیون‌های ژنو رعایت این اصل را در تمامی این موارد لازم می‌دانند.

اصل تفکیک در ماده 48 پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون ژنو 1949 منعکس شده است و مقرر می‌دارد: «طرف‌های درگیر باید همیشه بین جمعیت غیرنظامی و جنگجویان تمایز قائل شوند». در این راستا پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو به‌طور کامل به تعریف غیرنظامیان در حقوق مخاصمات مسلحانه می‌پردازد. ماده 21 پروتکل اول الحاقی 1977 در تعریف غیرنظامیان چنین مقرر می‌دارد: «افرادی غیرنظامی

محسوب می‌شوند که در زمره هیچ‌یک از طبقه‌بندی‌های مربوط به نیروهای مسلح مقرر در بندهای 1، 2، 3 و 6 از ماده 4 کنوانسیون سوم ژنو، در رابطه با اسیران جنگی و ماده 41 پروتکل حاضر جای نگیرند». بر اساس این تعریف می‌توان گفت غیرنظامی کسی است که به هیچ‌یک از انواع مختلف رزمندگان نیروی زمینی، هوایی، دریایی و غیره تعلق نداشته باشد و در درگیری‌های مسلحانه مشارکت نداشته باشد.

همچنین بند دو ماده 50 پروتکل اول الحاقی بیان می‌کند در موارد مشکوکی که مشخص نیست فردی رزمنده است یا غیرنظامی، باید اصل را بر غیرنظامی بودن آن فرد قرار داد. ماده 43 پروتکل اول الحاقی، حمایت از غیرنظامیان را به اموال غیرنظامی نیز توسعه داده و مقرر می‌دارد: «به‌منظور تضمین احترام و حمایت از جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامی، طرف‌های مخاصمه باید همواره بین سکنه غیرنظامی و نظامیان و نیز بین اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی تمایز قائل شده و عملیات خود را فقط متوجه اهداف نظامی کنند». به این ترتیب رعایت اصل تفکیک علاوه بر حمایت از افراد بشری، شامل حمایت از اموال آن‌ها نیز می‌شود.

با این حال مسئله حائز اهمیت، مشارکت غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه است. بند 3 ماده 51 پروتکل الحاقی اول به این موضوع می‌پردازد: «غیرنظامیان از محافظت عمومی در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی برخوردارند مگر اینکه و در زمانی که مستقیماً در مخاصمات شرکت کنند». بر همین اساس زمانی که غیرنظامیان در مخاصمات شرکت کنند، حمایت پروتکل الحاقی اول از ایشان برداشته می‌شود. دادگاه عالی اسرائیل در پرونده قتل‌های هدفمند در سال 2006 اعلام کرد، این هنجار منعکس‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی است. در ادامه، این دیوان بیان می‌کند غیرنظامیانی که در مخاصمات مشارکت مستقیم می‌کنند حفاظت دائمی در برابر حمله را از دست نمی‌دهد، بلکه به محض آن‌که مشارکت خود را قطع کرد، حفاظت غیرنظامی خود را در برابر حمله به دست خواهد آورد. بر اساس تصمیم دادگاه عالی اسرائیل مشارکت

مستقیم در جنگ نه تنها استفاده از سلاح گرم و جمع‌آوری اطلاعات را در برمی‌گیرد، بلکه هدایت رزمندگان و طراحی عملیات را نیز شامل می‌شود (Dinstein, 2009: 189). مسئله دیگری که در رابطه با وضعیت حقوقی غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی موضوعیت پیدا می‌کند، استفاده از ایشان به‌عنوان سپر انسانی است. ممنوعیت استفاده از غیرنظامیان به‌عنوان سپر انسانی اصلی انکارناپذیر در حقوق بین‌الملل عرفی است. به‌علاوه ماده 28 کنوانسیون چهارم ژنو بیان می‌دارد: «از حضور یک شخص محافظت‌شده، نمی‌توان برای مصون ساختن نقاط یا مناطق خاصی از عملیات نظامی استفاده کرد».

بند 2 (ب) ماده 8 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز، استفاده از حضور غیرنظامیان یا سایر افراد موردحمایت برای مصون نگه‌داشتن برخی نقاط، مناطق یا نیروهای نظامی از عملیات نظامی را جنایت جنگی برشمرده است. با این حال، لازم است بین سپر انسانی داوطلبانه و غیرارادی تمایز قائل شد. همان‌طور که دادگاه عالی اسرائیل در پرونده کشتارهای هدفمند اعلام کرد درحالی‌که سپرهای انسانی غیرارادی قربانی محسوب می‌شوند، سپرهای انسانی داوطلبانه باید غیرنظامیانی تلقی شوند که مستقیماً در خصومت‌ها شرکت می‌کنند. این شکل از سپرهای انسانی، هدف مشروع نظامی محسوب می‌شوند (H.C.J. 769/02, 2005, para: 36). حال اگر برخلاف قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، سپرهای انسانی غیرارادی توسط یکی از اطراف درگیری استفاده شود، بر اساس بند 8 ماده 51 پروتکل الحاقی اول طرف دیگر همچنان ملزم به انجام تعهدات قانونی خود مبنی بر رعایت اصل تناسب در قبال غیرنظامیان خواهد بود (Dinstein, 2008: 193). درنهایت باید گفت گرچه حمایت از غیرنظامیان یک اصل اساسی حقوق بشردوستانه بین‌الملل است، اما یک غیرنظامی نباید این حمایت را بدیهی و همیشگی بداند. در صورتی که یک شخص غیرنظامی با شرکت مستقیم در مخاصمات یا مساعدت‌های پیش‌گفته از خط قرمز عبور کند، حمایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی

از وی سلب می‌شود و فرد هدف مشروع نظامی قرار خواهد گرفت. امری که در مورد شهرک‌نشینان مناطق اشغالی صدق می‌کند.

3. وضعیت حقوقی شهرک‌نشینان سرزمین‌های اشغالی

در این گفتار شرایط و فعالیت‌های شهرک‌نشینان اسرائیلی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت تا با عنایت به قواعد حقوقی پیش‌گفته روشن شود آیا این افراد از حمایت‌های ناظر بر غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی برخوردار می‌شوند یا خیر. با توجه به استدلال‌های زیر نگارندگان اثبات خواهند کرد که شهرک‌نشینان مناطق اشغالی یا جزیی از رزمندگان محسوب خواهند شد یا سپر انسانی. در صورتی که رزمنده محسوب شوند هدف قرار دادن ایشان طبق حقوق بشردوستانه مجاز است. همچنین در صورتی که غیرنظامیان مناطق اشغالی سپر انسانی محسوب شوند، در صورتی که ضرورت و مزیت نظامی ایجاد کند و در صورتی که امکان تفکیک نباشد، هدف قرار دادن آنان مجاز است.

3-1. رزمنده بودن شهرک‌نشینان

حاکمیت قوانین نظامی در برخی شهرک‌ها، خشونت مسلحانه شهرک‌نشینان علیه فلسطینیان و فعالیت‌های نظامی شهرک‌نشینان نشان می‌دهد آن‌ها صرفاً شهروندان ساکن در این مناطق نیستند، بلکه عملاً در صحنه کارزار علیه فلسطینیان اقدام‌های نظامی انجام می‌دهند.

3-1-1. حاکمیت قوانین نظامی در شهرک‌ها

یکی دیگر از اقدام‌هایی که پس از عملیات نظامی 1948 توسط مقام‌های اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی انجام شد، تدوین مقررات اضطراری (مناطق امنیتی)¹ است که در سال

1949 تصویب شد. این فرمان به وزیر دفاع، با تصویب کمیته‌های امور خارجی و امنیتی کنست، این اختیار را می‌دهد که هر منطقه‌ای را به‌عنوان منطقه حفاظت‌شده اعلام کند. فرمان دیگری که توسط مقام‌های نظامی در سال 1949 پس از عملیات نظامی 1948 تصویب شد، مقررات اضطراری (کشت زمین‌های بایر) بود. هدف فوری این فرمان، جلوگیری از بلااستفاده شدن زمین‌های مناسب برای کشاورزی بود که پس از جنگ 1948 توسط صاحبان آن متروک شده بود و به وزیر کشاورزی اجازه داد که این زمین را در دست بگیرد. ماده 24 این فرمان به وزیر کشاورزی این اختیار را می‌دهد که عملاً سلب مالکیت‌هایی را که در جریان جنگ 1948 و بلافاصله پس‌از آن اتفاق افتاده و سازمان‌های کشاورزی یهودیان و سازمان‌های جوانان کیوتسیم و نهال مسئول اصلی آن بودند، قانونی کند. مقررات اضطراری همچنین به وزیر دارایی - یعنی دولت - اجازه می‌دهد تا زمین‌هایی را که مقام‌های نظامی بر اساس احکام دفاعی و امنیتی مقرر در مقررات دفاعی، مناطق بسته اعلام کرده بودند، تصاحب کند.

3-1-2. خشونت مسلحانه شهرک‌نشینان علیه فلسطینیان

از ابتدای تأسیس اسرائیل، شهرک‌نشینان اسرائیلی با اهداف و انگیزه‌های مختلف از جمله گسترش شهرک‌سازی‌ها، اقدام‌های خشونت باری را علیه فلسطینیان صورت داده‌اند. این خشونت‌ها تا حدی بوده است که در گزارش‌های خود شهرک‌نشینان، نظامیان اسرائیلی و گزارش‌ها نهادهای مختلف بین‌المللی انعکاس داشته‌اند. از جمله در گزارش آقای گلدستون؛ رئیس کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در خصوص جنگ 22 روزه غزه به‌طور مبسوط به اقدام‌ها و خشونت‌های شهرک‌نشینان اشاره شده است. بر اساس گزارش گلدستون، عملیات نظامی اسرائیل در سال 2008 در غزه زمانی آغاز شد که کرانه باختری در حال تجربه برخی از بدترین خشونت‌های شهرک‌نشینان در چند سال اخیر بود. اگرچه اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر مسئولیت

حفظ نظم و امنیت عمومی در اراضی اشغالی را بر عهده دارد، اما پلیس اسرائیل برای حفاظت از فلسطینیان مداخله‌ای نکرد (goldeston.rep. 2009, para: 1384).

خشونت شهرک‌نشینان یک اتفاق عادی است که عمدتاً غیرنظامیان فلسطینی و اموال آن‌ها را هدف قرار می‌دهد. به گفته دفتر هماهنگی امور بشردوستانه، «دلیل اصلی این پدیده، سیاست ده‌ساله اسرائیل برای تسهیل و تشویق اسکان شهروندان خود در داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین است». در این سال گروهی از شهرک‌نشینان به سمت خانه‌های فلسطینی‌ها سنگ پرتاب کردند و خودروها، مزارع کشاورزی، خانه‌ها و محتویات یک مسجد را به آتش کشیدند. شهرک‌نشینان همچنین تلاش کردند به زور وارد خانه‌های فلسطینی‌ها شوند. در پاراگراف 1407 این گزارش آمده است بیش از 90 درصد از تحقیقات در مورد خشونت شهرک‌نشینان بدون «تعریف کیفرخواست» بسته شده است. یکی از دلایلی که در خصوص عدم رسیدگی به پرونده شهرک‌نشینان در دادگاه عالی اسرائیل مطرح شده است در پرونده آقای برود، شهرک‌نشین الخلیل به این شکل بیان شد: «آسیب عمومی احتمالی این افشاگری بیشتر از آسیب وارده توسط یک فرد است که متهم به ارتکاب جنایت خشونت‌آمیز است و در جامعه آزاد می‌شود» (goldeston.rep. 2009, para: 1407).

پدیده خشونت شهرک‌نشینان مسئله‌ای است که به‌طور روزافزون با حمایت مقام‌های اسرائیلی بیشتر شده است. طبق گزارش دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه فقط در سال‌های 2006 و 2012، حملات شهرک‌نشینان حدود چهار برابر شده است. بخش قابل توجهی از موارد خشونت شهرک‌نشینان مربوط به پایگاه‌های شهرک‌سازی است که موجب ایجاد ترس فلسطینیان از نزدیک شدن به مناطق توسعه شهرک‌سازی‌ها می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که چگونه خشونت شهرک‌نشینان منجر به افزایش توان اسرائیل در گسترش شهرک‌های موجود می‌شود. مسئله حائز اهمیت دیگر عدم‌مداخله نیروهای امنیتی اسرائیل، از جمله پلیس، برای جلوگیری از خشونت شهرک‌نشینان است. عملاً هیچ‌گونه پاسخگویی برای عاملان خشونت‌ها وجود

ندارد. به‌علاوه فلسطینی‌ها هیچ شانس برای اجرای عدالت ندارند، زیرا بررسی‌ها حاکی از آن است عملاً تنها 1.9 درصد از شکایات ارائه‌شده توسط فلسطینی‌ها علیه حملات شهرک‌نشینان منجر به محکومیت می‌شود (Ayoub, 2016: 4).

تنها در سال 2013 بنا بر گزارش دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه، 10672 درخت زیتون و در سال 2014، 9390 درخت توسط شهرک‌نشینان تخریب شدند (Médecins du Monde, 2014). صنعت روغن زیتون تا 25 درصد از درآمد کشاورزی کرانه باختری را تشکیل می‌دهد که تقریباً معیشت 100000 خانواده را تأمین می‌کند. لذا حملات شهرک‌نشینان می‌تواند بر وضعیت کلی اقتصادی فلسطینیان و معیشت آن‌ها تأثیر منفی بگذارد.

به‌علاوه مسئله خشونت بر سلامت روانی افراد تأثیر می‌گذارد، حتی زمانی که ایشان مستقیماً در حوادث بحرانی درگیر نباشند. درواقع استرس حاد، اضطراب، اختلال‌های خواب و عدم تعادل در پیشرفت تحصیلی کودکان یک امر عادی برای فلسطینیان است و از آنجایی که حوادث خشونت‌بار به‌طور مداوم در حال وقوع هستند، مردم فلسطین قادر نیستند به تعادل عاطفی برسند. دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه، 324 حمله، یعنی به‌طور متوسط بیش از 6 حمله در هفته را از سوی شهرک‌نشینان در سال 2015 ثبت کرده که فلسطینیان را مورد هدف قرار داده است (Ayoub, 2016: 18).

در گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در سال 2015 آمده است: «فعالیت‌های غیرقانونی شهرک‌نشینان که اغلب با حمایت مقام‌های اسرائیلی امکان‌پذیر است، نقض سیستماتیک حقوق فلسطینیان است. ارباب و خشونت علیه کشاورزان، زمین‌داران و گله‌داران فلسطینی به ایجاد مناطق ممنوعه عملی کمک می‌کند و منجر به خلع ید تدریجی در جوامع روستایی فلسطین می‌شود، درعین‌حال مسیری را برای گسترش مناطق تحت کنترل مؤثر شهرک‌نشینان باز می‌کند. به‌علاوه معافیت از مجازات که شهرک‌نشینان از آن بهره می‌برند، جسارت حملات را تقویت می‌کند و به‌نوبه خود

باعث می‌شود که کشاورزان و مالکان فلسطینی از ترس خشونت و آزار و اذیت، اقدام‌های مقاومتی خود را محدودتر کنند» (UNrep, 2015: 14). بر اساس آخرین گزارش‌های دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه، در 28 سپتامبر و 4 اکتبر سال 2022، شهرک‌نشینان اسرائیلی وارد شهرک‌های ماداما و هوارا (هر دو در نابلس) شدند و زمین‌های غیرقابل کشت را به آتش کشیدند، فلسطینیان را مورد حمله فیزیکی قرار دادند یا به سمت مردم و خانه‌ها سنگ پرتاب کردند که 19 فلسطینی در آن مجروح شدند. در این تاریخ حداقل پنج بار، شهرک‌نشینان اسرائیلی تقاطع جاده‌های بین نابلس و جنین، نزدیک ایست بازرسی بیت ال (رام الله) و در ایست بازرسی هواره را مسدود کردند. شهرک‌نشینان اسرائیلی به سمت خودروهای فلسطینی سنگ پرتاب کردند و ترافیک شدیدی را ایجاد کردند. در سه حادثه دیگر در بیدیا (سلفیت)، عین البیضا (طوبس) و جرأت الخیل (الخلیل)، سه دامدار فلسطینی پس از حمله شهرک‌نشینان و حمله فیزیکی به آن‌ها در حالی که در زمین‌های خود کار می‌کردند و دام‌های خود را به چرا برده بودند، مجروح شدند. 13 حادثه دیگر در الخلیل، اورشلیم، نابلس، رام الله، سلفیت و طوبس منجر به آسیب به محصولات زراعی، دام، تجهیزات کشاورزی، مخازن آب، سازه‌های مربوط به معیشت و شبکه‌های آب شد. در 4 اکتبر، شهرک‌نشینان اهل یتظار به مدرسه اوریف (نابلس) در حین برگزاری کلاس‌ها یورش بردند و با پرتاب سنگ، دولت را مجبور به تعلیق مدرسه و تخلیه دانش‌آموزان به مکان امن کردند. در این حادثه 250 دانش‌آموز آسیب دیدند و خسارت‌های مالی متعددی گزارش شد (OCHA, 2022). همان‌گونه که پیش این ذکر شد این اقدام‌های خشونت‌بار در حالی صورت می‌پذیرد که بنا بر سیاست رژیم اسرائیل، نه تنها برخوردی از سوی رژیم اسرائیل با آن‌ها صورت نمی‌پذیرد بلکه همواره از آن‌ها حمایت می‌شود. به‌واقع بررسی ارتباط میان نیروهای نظامی و شهرک‌نشینان اسرائیلی نشان‌دهنده آن است رژیم اسرائیل بخشی از اقدام‌ها و اهداف نظامی خود علیه مردم فلسطین را با مساعدت و توسط شهرک‌نشینان سرزمین‌های اشغالی صورت می‌دهد.

در کرانه باختری، از جمله اورشلیم شرقی، فعالیت‌های مربوط به شهرک‌سازی و خشونت شهرک‌نشینان همچنان هسته اصلی اکثر موارد نقض حقوق بشر علیه فلسطینیان است (A/HRC/29/CRP.4, 2015: para:54). مجموع اقدام‌هایی که اسرائیل در راستای شهرک‌نشینی انجام داده محیطی به وجود آورده است که از آن به «محیط اجبار»¹ تعبیر شده که تضمین حقوق بشر را دشوار ساخته است (A/HRC/34/39, 2017, para:52). برای جمعیتی که در مجاورت سکونتگاه‌ها و کانون‌های شناخته‌شده خشونت شهرک‌نشینان قرار دارند، خشونت و آزار و اذیت توسط شهرک‌نشینان ماهیت اجباری محیط را تشدید می‌کند (A/HRC/34/39, 2017, para:54). در نتیجه این اقدام‌ها، حقوق متعددی از جمله حق تعیین سرنوشت، برابری در برابر قانون، آزادی رفت‌وآمد، برخورداری از امکانات عمومی، نقض حق برخورداری از منابع طبیعی (آب)، حق حیات، حق مالکیت، حق تشکیل اجتماعات، حقوق اقتصادی و حق آزادی مذهب نقض خواهد شد.

چندین شبه‌نظامی یهودی مرتبط با گروه‌های شهرک‌نشینی راست افراطی هستند که در داخل اسرائیل و کرانه باختری فعالیت می‌کنند. تشدید خشونت‌ها و حملات تروریستی به‌عنوان توجیهی برای افزایش تعداد شبه‌نظامیان عمل کرده است. شبه‌نظامیان معمولاً با پلیس اسرائیل یا واحدهای اسرائیل همکاری می‌کنند، از سازمان‌های خصوصی، شوراهای محلی یا دولت کمک مالی می‌گیرند و با نظارت یا عواقب کمی عمل می‌کنند. در جریان ناآرامی‌های ماه مه 2021، مقام‌های اسرائیلی از شبه‌نظامیان یهودی برای هدف قرار دادن شهروندان فلسطینی در شهرهای ساحلی از جمله لود، یافا، رمه، حیفا و عکا استفاده کردند. شبه‌نظامیان متشکل از داوطلبان و فعالان راست‌گرای مرتبط با رهبری افراطی، توانسته‌اند بدون عواقب قانونی علیه غیرنظامیان فلسطینی

ساکن اسرائیل دست به اقدام‌های خشونت‌آمیز بزنند. ناظران بین‌المللی و اسرائیلی نسبت به از دست دادن کنترل اسرائیل بر شبه‌نظامیان خصوصی ابراز نگرانی کرده‌اند.

3-1-3. فعالیت‌های نظامی شهرک‌نشینان

تار شدن خطوط بین ارتش اسرائیل و شهرک‌نشینان حداقل به دو دهه پیش برمی‌گردد. از سال 2000 به بعد، انشعایی در نیروهای دفاعی اسرائیل به وجود آمد که منجر به ظهور دو ارتش متمایز شد؛ یک ارتش رسمی و یک نیروی پلیس ثانویه که به انجام عملیات در کرانه باختری تحت کنترل اسرائیل اختصاص دارد. نیروی پلیس ثانویه اسرائیل از چند عنصر تشکیل شده است؛ یک تیپ پیاده که به‌طور دائم در منطقه مستقر است، واحدهای پلیس مرزی و شبه‌نظامیان شهرک‌نشین. گروه اخیر، بخشی از واحدهایی هستند که به‌عنوان یگان‌های دفاع ارضی شناخته می‌شوند و توسط ارتش اسرائیل مسلح و آموزش دیده‌اند (Levy, 2023).

شبه‌نظامیان شهرک‌نشین، توسط تیپ‌های رزمی منظم ارتش رسمی ارتش اسرائیل تقویت می‌شوند و عملاً به یک‌نهاد شبه‌نظامی تبدیل شده است. فعالیت‌های این گروه در کرانه باختری نشان می‌دهد هدف اصلی آن تثبیت کنترل اسرائیل بر کرانه باختری است، این استراتژی به‌عنوان یک ابزار غیررسمی الحاق عمل می‌کند و الحاق رسمی سرزمین‌های باقی‌مانده فلسطینی را که با مقاومت بین‌المللی مواجه خواهد شد، دور می‌زند. شبه‌نظامیان شهرک‌نشین عملیات تهاجمی‌ای را انجام می‌دهند که خارج از صلاحیت واحدهای نظامی رسمی است (Levy, 2023).

لازم به ذکر است همکاری شهرک‌نشینان با نیروهای نظامی رسمی اسرائیل اشکال مختلفی دارد. در برخی موارد، ارتش به ایشان آزادی عمل قابل‌توجهی را در انجام اقدام‌های خود می‌دهد. در موارد دیگر، شهرک‌نشینان و سربازان عملیات مشترکی را علیه جوامع فلسطینی انجام می‌دهند. یکی از وظایف تعریف‌شده شهرک‌ها از همان ابتدا، هدایت و انجام عملیات نظامی علیه کشورهای هم‌جوار بود. این اقدام برای کنترل

عملیات نظامی کشورهایی بود که امکان آن وجود داشت به فلسطینیان در اقدام علیه اسرائیل یاری رسانند. شهرک‌ها در این راستا به‌مثابه قلعه‌های مستحکمی برای حفظ مرزهای اسرائیل تلقی می‌شود (Rajab Nejad et al, 1400: 40). این مسئله نظامی بودن بخشی از فعالیت‌های شهرک‌نشینان را به اثبات می‌رساند.

گروه‌های شبه‌نظامی یهودی، با گروه‌های شهرک‌نشین راست افراطی مرتبط هستند که در داخل اسرائیل و کرانه باختری فعالیت می‌کنند. تشدید خشونت‌ها و حملات تروریستی موجب شده است دولت اشغالگر تعداد شبه‌نظامیان را افزایش دهد. شبه‌نظامیان معمولاً با پلیس اسرائیل یا واحدهای اسرائیل همکاری می‌کنند، از سازمان‌های خصوصی، شوراهای محلی یا دولت کمک مالی می‌گیرند اما نظارت اندکی بر اقدام‌هایشان وجود دارد. در جریان ناآرامی‌های ماه مه 2021، مقام‌های اسرائیلی از شبه‌نظامیان یهودی برای هدف قرار دادن شهروندان فلسطینی در شهرهای ساحلی از جمله لود، یافا، رمله، حیفا و عکا استفاده کردند. شبه‌نظامیان مسلح به نام «نگهبانان لود» از شهرک‌های یهودی‌نشین افراطی حمایت می‌کنند و فلسطینیان را از شهر لود پاک‌سازی نژادی می‌کنند.

طبق حقوق بشردوستانه در حالات بیان شده می‌توان شهرک‌نشینان را رزمنده دانست. طبق ماده 4(6)(الف) کنوانسیون سوم ژنو «ساکنان مناطق غیر اشغالی که در نزدیک شدن به دشمن، خودبه‌خود برای مقاومت در برابر نیروهای متجاوز سلاح به دست می‌گیرند، بدون اینکه فرصتی برای تشکیل واحدهای مسلح منظم داشته باشند، مشروط بر اینکه آشکارا سلاح حمل کنند و به قوانین و آداب‌ورسوم جنگی احترام بگذارند»، رزمنده محسوب خواهند شد.

علت به کار بردن صفت غیراشغالی به دلیل اشاره به مبارزان متعلق به کشور اشغال‌شده است. این عبارت به این معنی نیست که ساکنان مناطق اشغالی در صورت تحقق موارد مندرج در این ماده وضعیت نظامی یا رزمنده ندارند. در حقیقت این صفت از حیث اصولی حجیت ندارد، زیرا در مورد غیرنظامیان متعلق به کشور اشغال‌شده

سخن می‌گوید. از نظر غیرنظامی بودن و تحقق شرایط این ماده تفاوتی بین آنان و غیرنظامیان متعلق به کشور اشغالگر نیست؛ به عبارت دیگر در صورتی که غیرنظامیان متعلق به دولت اشغالگر «...خودبه‌خود برای مقاومت در برابر نیروهای متجاوز سلاح به دست می‌گیرند، بدون اینکه فرصتی برای تشکیل واحدهای مسلح منظم داشته باشند، مشروط بر اینکه آشکارا سلاح حمل کنند و به قوانین و آداب و رسوم جنگی احترام بگذارند» رزمنده محسوب خواهند شد.

ضمن این که برخی از این شروط دیگر لازم دانسته نشده است. به عنوان مثال رعایت قواعد حقوق مخاصمات دیگر شرط نظامی محسوب شدن نیست. بند 2 ماده 44 پروتکل الحاقی یک می‌گوید: «درحالی که همه رزمندگان موظف به رعایت قواعد حقوق بین‌الملل قابل اجرا در درگیری‌های مسلحانه هستند، نقض این قواعد نباید یک رزمنده را از حق خود برای رزمنده بودن یا در صورت قرار گرفتن در اختیار دشمن، از حق اسیر جنگی بودن محروم کند.»

شرط پوشیدن یک علامت متمایز ثابت برای رزمنده که از فاصله دور قابل مشاهده است، دیگر لازم نیست. بند 3 ماده 44 پروتکل الحاقی 1 به این ترتیب می‌گوید «به منظور ارتقاء حفاظت از مردم غیرنظامی در برابر اثرات درگیری، رزمندگان موظف‌اند خود را از غیرنظامیان در زمانی که درگیر یک حمله یا در یک عملیات نظامی مقدماتی برای حمله هستند متمایز کنند. با این حال، با اذعان به این که در درگیری‌های مسلحانه موقعیت‌هایی وجود دارد که به دلیل ماهیت خصومت‌ها، یک رزمنده مسلح نمی‌تواند خود را تا این حد متمایز کند، همچنان نظامی محسوب خواهد شد، مشروط بر اینکه در چنین شرایطی، سلاح‌های خود را آشکارا حمل کند: (الف) در طول هر درگیری نظامی و (ب) در مدت زمانی که در حال تمهید نظامی قبل از شروع حمله است و برای دشمن قابل مشاهده است». در نتیجه حمل آشکار اسلحه فعلاً به عنوان شرطی است که برای نظامی بودن غیرنظامیان لازم دانسته شده است.

بسیاری از شهرک‌ها در واقع عملکرد نظامی دارند. شهرک‌ها یک‌سوم کل مساحت نوار غزه را تشکیل می‌دهند. هر یک از این شهرک‌ها دارای پایگاه‌های نظامی هستند و به شدت از آن‌ها دفاع می‌شود. اگرچه نظامی سازی شهرک‌ها در غزه قوی‌ترین است، اما برخی از شهرک‌ها در کرانه باختری دارای عملکرد نظامی نیز هستند. ارتش اسرائیل ممکن است از آن‌ها به عنوان ایستگاه برای عملیات خود یا بازداشت افرادی که در بازداشت هستند استفاده کند. تعداد زیادی از شهرک‌نشینان مسلح هستند و شهرک‌نشینان گاهی به فلسطینی‌ها حمله کرده و خانه‌ها و سایر اموال فلسطینی‌ها را ویران کرده‌اند. با این حال، شهرک‌نشینان غیرنظامی هستند، مگر اینکه در نیروهای مسلح اسرائیل خدمت کنند.

3-2. سپر انسانی بودن شهرک‌نشینانی که فعالیت نظامی ندارند:

در این بخش ثابت می‌شود که اسرائیل از شهرک‌نشینان مناطق اشغالی به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند. سپر انسانی¹ به معنای مصونیت بخشی به اهداف نظامی با استفاده از غیرنظامیان یا به عبارت دیگر سوءاستفاده از مقررات حقوق بشردوستانه در مورد عدم حمله به غیرنظامیان است: 1. با توجه به این که تمام منطقه اشغالی منطقه جنگی است، حقوق بشردوستانه بین‌المللی انتقال شهروندان غیرنظامی به این مناطق به ویژه مناطق اشغالی را ممنوع کرده است؛ 2. اسرائیل نه تنها این ممنوعیت را نقض کرده بلکه به صراحت نشان داده که هدف از انتقال جمعیت غیرنظامی به مناطق اشغالی به دلایل امنیتی و جلوگیری از حملات فلسطینیان بوده است.

3-2-1. مفهوم سپر انسانی در حقوق بشر دوستانه

بند 7 ماده 51 پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو مقرر می‌دارد: «حضور یا تحرکات جمعیت یا افراد غیرنظامی نباید برای مصون ساختن نقاط یا مناطق خاصی از عملیات نظامی، به‌ویژه در تلاش برای محافظت از اهداف نظامی در برابر حملات یا محافظت، حمایت یا ممانعت از عملیات نظامی استفاده شود. طرف‌های درگیر نباید حرکت جمعیت یا افراد غیرنظامی را به‌منظور محافظت از اهداف نظامی در برابر حملات یا محافظت از عملیات نظامی هدایت کنند.»

عبارت حضور که در این ماده به کار رفته است دو وضعیت را پیش‌بینی کرده است؛ نخست، وضعیت‌هایی که غیرنظامیان روی اهداف نظامی یا نزدیک به آن قرار می‌گیرند و دوم وضعیت‌هایی که اهداف نظامی در بین یا کنار غیرنظامیان قرار می‌گیرند. بند 7 ماده 51 مواردی را نیز پوشش می‌دهد که از تحرکات جمعیت غیرنظامی برای پوشش عملیات نظامی استفاده می‌شود (Bouchie' de Belle, 2008: 887).

ماده 23 کنوانسیون ژنو در مورد حمایت از اسرای جنگی مقرر داشته است: هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان در هرزمانی به مناطقی که ممکن است در معرض آتش منطقه جنگی قرار گیرد فرستاده یا بازداشت کرد و همچنین نمی‌توان از حضور او برای مصون نگه‌داشتن نقاط یا مناطق خاصی از عملیات نظامی استفاده کرد.

ماده 28 کنوانسیون چهارم ژنو نیز مقرر می‌دارد: از حضور یک فرد موردحمایت نمی‌توان برای مصون ساختن نقاط یا مناطق خاصی از عملیات نظامی استفاده کرد. همچنین طبق ماده 19 کنوانسیون اول مقام‌های مسئول باید اطمینان حاصل کنند که مؤسسات و واحدهای پزشکی مذکور تا آنجا که ممکن است به‌گونه‌ای قرار دارند که حملات علیه اهداف نظامی نتواند ایمنی آن‌ها را به خطر اندازد. همچنین طبق بند 4 ماده 28 پروتکل اول الحاقی تحت هیچ شرایطی نباید از واحدهای پزشکی برای محافظت از اهداف نظامی در برابر حمله استفاده شود. در صورت امکان، طرف‌های

درگیر باید اطمینان حاصل کنند که واحدهای پزشکی به‌گونه‌ای قرار دارند که حملات علیه اهداف نظامی امنیت آن‌ها را به خطر نیندازد.

بر اساس این تعهدات و وفق ماده 58 پروتکل اول الحاقی طرف‌های درگیر باید تا حد امکان الف. بدون لطمه به ماده 49 کنوانسیون چهارم، تلاش کنند تا جمعیت غیرنظامی، افراد غیرنظامی فردی و اشیاء غیرنظامی تحت کنترل آن‌ها را از مجاورت اهداف نظامی خارج کنند؛ ب. از قرار دادن اهداف نظامی در داخل یا نزدیک مناطق پرجمعیت خودداری کنند؛ ج. سایر اقدام‌های احتیاطی لازم را برای محافظت از جمعیت غیرنظامی، افراد غیرنظامی و اشیاء غیرنظامی تحت کنترل آن‌ها در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی اتخاذ کنند. چنانکه گفته خواهد شد اسرائیل این تعهدات را نقض کرده است.

3-2-2. ممنوعیت انتقال غیرنظامیان به منطقه اشغالی

منطقه اشغالی منطقه جنگی است. ماده 2 مشترک کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد که «این قرارداد در هر مورد که تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظم متعاقد اشغال شود نیز به‌موقع اجرا گذاشته خواهد شد ولو آنکه اشغال مزبور با هیچ‌گونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد».

ماده 49 کنوانسیون چهارم ژنو انتقال اجباری دسته‌جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص موردحمایت از اراضی اشغال‌شده به خاک دولت اشغال‌کننده یا به خاک هر دولت دیگر اعم از این‌که اشغال‌شده یا نشده باشد را به هر علتی ممنوع می‌کند. هدف از ماده 49 کنوانسیون چهارم ژنو جلوگیری از انتقال بخش‌هایی از جمعیت خود توسط قدرت‌های اشغالگر به سرزمین‌های اشغالی به دلایل سیاسی یا نژادی یا استعمار سرزمین‌ها بود (A/77/328 UNrep, 2022, para: 25).

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی 2004 دیوار حائل اظهار داشت: «بند 6 ماده 49 کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌دارد: دولت اشغالگر نباید بخش‌هایی از

جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمین‌هایی که اشغال کرده است، منتقل کند». این ماده نه تنها تبعید یا انتقال اجباری جمعیت مانند آنچه در طول جنگ جهانی دوم انجام شد، بلکه هرگونه اقدامی را که توسط یک قدرت اشغالگر به منظور سازمان‌دهی یا تشویق انتقال بخشی از جمعیت خود به سرزمین اشغالی انجام می‌شود، ممنوع می‌کند. در این راستا، اطلاعات ارائه شده به دیوان نشان می‌دهد که اسرائیل از سال 1977 برخلاف مفاد بند 6 ماده 49، سیاستی را اتخاذ کرده و اقدام‌هایی را در خصوص ایجاد شهرک‌سازی در اراضی اشغالی فلسطین انجام داده است (ICJ rep, 2004, para: 120). دیوان پس از استناد به قطعنامه‌های شورای امنیت، ساخت دیوار و به‌موازات آن شهرک‌سازی را ایجاد حقایق عینی در سرزمین فلسطینیان دانست که به نوعی به انضمام بالقوه منجر شده است (ICJ rep, 2004, para: 121). همچنین دیوان مجموع این اقدام‌ها یعنی ساخت دیوار و شهرک‌سازی متعاقب آن را که منجر به تغییر ترکیب جمعیتی نیز شده است، موجب نقض حق تعیین سرنوشت فلسطینیان دانست (ICJ rep, 2004, para: 122).

یکی از سؤال‌هایی که ممکن است در مورد ماده 49 مطرح شود این است که آیا هدف از بند پایانی ماده 49 حمایت از غیرنظامیان مناطق اشغالی به‌ویژه غیرنظامیان دولت اشغالگر است یا خیر. اگر منظور از این بند حمایت مطلق از غیرنظامیان باشد، هدف از عدم انتقال اجباری ایشان حمایت از آنهاست و نه حمایت از سرزمین دولت اشغال شده و جلوگیری از سوءاستفاده از جمعیت غیرنظامیان در جهت اهداف دولت اشغالگر مانند انضمام سرزمین.

تفاوتی که حمایت از غیرنظامیان در این بخش از کنوانسیون ژنو با دیگر بخش‌ها دارد حمایت از غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی است و نه حمایت از اتباع دولت اشغالگر. این ماده در مقام بیان اصول حقوق بین‌الملل بشر در مورد ممنوعیت اخراج اتباع نیز نیست. به همین دلیل در بخش سوم کنوانسیون یعنی در مورد سرزمین‌های اشغالی گنجانده شده است و نه در بخش اول که مربوط به «مقررات مشترک در سرزمین‌های طرف‌های درگیری و سرزمین‌های اشغالی» است. به همین دلیل حمایت از

سرزمین دولت اشغال‌شده و مردم تحت اشغال اولویت مواد این بخش است (Henckaerts, 2021: 478).

3-2-3. شهرک‌سازی و انتقال عمدی غیرنظامیان به شهرک‌ها توسط اسرائیل

پروژه انتقال شهرک‌نشینان به مناطق اشغالی از ابتدا پروژه‌ای امنیتی بود و با هدف کسب سرزمین و تثبیت حاکمیت اسرائیل بر آن مناطق صورت گرفت. قلمرو یا سرزمین به‌عنوان یک منبع مهم برای فعالیت‌های کشاورزی و درعین‌حال به‌عنوان یک منبع استراتژیک برای اهداف نظامی عمل می‌کند. آنچه از ابتدای تأسیس اسرائیل در ذهن یهودیان صهیونیست برای شهرک‌سازی می‌گذشت استفاده از شهرک‌نشینان به‌منظور کسب سرزمین به‌طور تدریجی و ایجاد مناطق امنیتی و نظامی بود (Kellerman, 1993: 38-40).

آغاز شهرک‌سازی‌ها توسط سازمان‌های صهیونیست جهانی و با هدف انضمام سرزمین‌های اشغالی بوده است (Israel .Ministry of Foreign Affairs, 2001). اسرائیل از ابتدای اشغال، ایجاد صدها شهرک غیرنظامی در سرزمین اشغالی فلسطین را که مهم‌ترین عامل اشغال طولانی‌مدت آن بوده و مغایر با قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود، تأسیس کرده است (A/77/328 UN .rep, 2022, para: 25). مواضع رسمی اسرائیل نشان می‌دهد که این رژیم قصد انجام اقدام‌های غیرقابل‌بازگشت دارد. مقام‌های اسرائیلی علناً قصد کشورشان را برای غیرقابل‌برگشت ساختن شهرک‌ها و الحاق تمام یا بخشی از منطقه ج اعلام کرده‌اند. در 10 سپتامبر 2019، نخست‌وزیر وقت نتانیاهاو اعلام کرد که قصد دارد دره اردن و منطقه شمال دریای مرده را در صورت انتخاب مجدد الحاق کند. اگرچه بعداً این طرح کنار گذاشته شد، اما در اوت 2020، او با اشاره به حاکمیت اسرائیل بر کرانه باختری تأکید کرد: «مسئله حاکمیت هنوز روی میز است. یک کشور فلسطینی، موجودیت ما را به خطر خواهد انداخت. من اورشلیم را تقسیم نمی‌کنم، هیچ شهرکی را تخلیه نمی‌کنم و مطمئن هستم که قلمرو غرب اردن را تحت

کنترل خواهیم گرفت» (A/77/328, UNrep, 2022, para: 52). دولت‌های متعدد اسرائیل و رهبران سیاسی و نظامی آنان این دیدگاه‌ها را تأیید کرده‌اند (A/77/356 UN.rep, 2022, para: 40).

برخی شهرک‌ها از سال‌های ابتدایی تأسیس اسرائیل با اهداف نظامی تأسیس شدند و ساکنان آنان نیز سربازان ارتش رژیم اشغالگر بودند. پروژه‌های شهرک‌سازی نهال با هدف جذب سربازان جوان در ارتش اسرائیل و فعالیت‌های توأمان کشاورزی تأسیس شدند (Kellerman, 1993: 67). از جمله دیگر اهداف شهرک‌سازی ساخت شهرک‌ها در مناطق مرزی، تأمین امنیت مرزها از طریق انتقال غیرنظامیان به مناطق مرزی برای جلوگیری از حملات کشورهای همسایه بود. از این رو می‌توان شهرک‌نشینان را نوعی سپر انسانی مورد استفاده توسط اسرائیل دانست.

شهرک‌سازی اسرائیل در مناطق اشغالی از آغاز با واکنش جامعه جهانی روبرو بوده است. قطعنامه 2851 از جمله اولین قطعنامه‌های مجمع عمومی است که بر اساس گزارش کمیته ویژه بررسی اقدام‌های مخرب اسرائیل بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی صادر شد و در آن «شدیداً از اسرائیل خواست که فوراً همه اقدام‌ها را لغو کند و از همه سیاست‌ها و اقدام‌هایی مانند... (ب) استقرار شهرک‌های اسرائیلی در آن سرزمین‌ها و انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی آن به سرزمین‌های اشغالی... خودداری کند» (A/Res/2851, XXVI, 1971, para: 2 (b)). همین عبارات تقریباً هر سال در قطعنامه‌های مجمع عمومی علیه اسرائیل تکرار شد (A/RES/3005/(XXVII), 1972). تا این‌که در سال 1977 جامعه جهانی با اقدام‌های اسرائیل با لحن شدیدتری برخورد کرد. جامعه جهانی در قطعنامه مجمع عمومی در همین سال تمامی اقدام‌های اسرائیل در فلسطین و دیگر اراضی عربی اشغال‌شده از سال 1967 را فاقد اعتبار قانونی و مانعی جدی برای دستیابی به صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه دانست (A/RES/32/5, 28 para.1) و از اصرار اسرائیل در انجام چنین اقدام‌هایی، به‌ویژه شهرک‌سازی در سرزمین‌های عربی اشغالی، به‌شدت ابراز تأسف کرد (A/RES/32/5, 28 1977, para. 2).

همچنین از اسرائیل خواست که با جدیت به تعهدات بین‌المللی خود مطابق با اصول حقوق بین‌الملل و مفاد کنوانسیون ژنو در رابطه با حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ، مورخ 12 اوت 1949، عمل کند (A/RES/32/5, 28 1977, para. 3).

در قطعنامه 47/172 جامعه جهانی از ایجاد شهرک‌سازی توسط اسرائیل در سرزمین فلسطین، از جمله اورشلیم و دیگر سرزمین‌های عربی که از سال 1967 به بعد اشغال شده‌اند، ابراز تأسف می‌کند و شهرک‌ها را غیرقانونی و در نتیجه مانعی برای صلح می‌داند و عواقب اقتصادی و اجتماعی شهرک‌سازی‌های اسرائیلی بر مردم فلسطین در اراضی فلسطینی را متذکر می‌شود. در همین قطعنامه مجمع عمومی از مصادره زمین، تصاحب منابع آبی، کاهش سایر منابع اقتصادی و جابجایی و اخراج جمعیت آن سرزمین‌ها به شدت ابراز تأسف می‌کند (A/RES/47/172, 22 Dec. 1992).

در قطعنامه 10/3 که در نشست اضطراری مجمع عمومی تصویب شد، مجمع مجدداً تأکید کرد که تمامی اقدام‌های غیرقانونی اسرائیل در قدس شرقی و بقیه اراضی اشغالی فلسطین، به ویژه شهرک‌سازی و نتایج عملی آن صرف‌نظر از گذشت زمان قابل‌شناسایی نیست (A/RES/ES-10/3, 1997). در نشست اضطراری بعدی مجمع از دولت‌ها خواست تا در صورت ادامه عدم تبعیت اسرائیل از قطعنامه‌های مجمع عمومی، زمینه را برای تصویب قطعنامه اتحاد برای صلح فراهم کنند (A/RES/ES-10/4, 13 Nov. 1998). در قطعنامه‌های مجمع عمومی در سال‌های نزدیک به صدور رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد دیوار حائل هم به بی‌توجهی اسرائیل به ممنوعیت شهرک‌سازی و غیرقانونی بودن شهرک‌سازی‌ها اشاره شد (A/RES/59/123, 2003 & A/RES/58/98, 2004). شهرک‌سازی‌ها نقض قطعنامه‌های شورای امنیت نیز محسوب می‌شود. از نظر شورای امنیت چنین سیاست‌ها و اقدام‌هایی «هیچ اعتبار قانونی ندارند». همچنین از «اسرائیل، به عنوان قدرت اشغالگر، به رعایت دقیق کنوانسیون چهارم ژنو» خواسته است: «اقدام‌های قبلی خود را لغو کند و از هرگونه اقدامی که منجر به تغییر وضعیت حقوقی و ماهیت جغرافیایی و تأثیر مادی بر ترکیب جمعیتی سرزمین‌های عربی

اشغال شده از سال 1967 از جمله بیت المقدس شود، خودداری کند و به‌ویژه، جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمین‌های عربی اشغالی» منتقل نکند (SC.res 446,1979, para:3).

شورا در قطعنامه‌های 452 (1979) 20 ژوئیه 1979 و 465 (1980) در 1 مارس 1980 با شهرک‌سازی‌ها مخالفت کرده است. این شورا در قطعنامه 465 شورای امنیت سازمان ملل متحد (1980) نیز شهرک‌سازی‌ها را نقض کنوانسیون چهارم ژنو 1949 می‌داند. شورا در این قطعنامه با تعیین اینکه شهرک‌سازی‌ها مانعی جدی برای دستیابی به صلحی جامع، عادلانه و پایدار در خاورمیانه می‌شود، از اسرائیل می‌خواهد «شهرک‌های موجود را برچیده و به‌ویژه تأسیس، ساخت و برنامه‌ریزی شهرک‌ها را در سرزمین‌های عربی اشغالی از سال 1967، از جمله بیت المقدس، به صورت فوری متوقف کند». همچنین شورا در قطعنامه 2334 خود شهرک‌سازی‌ها را نقض فاحش حقوق بین‌الملل و مانعی بر سر ایجاد صلح و ایجاد دو کشور دانست و دستور توقف شهرک‌سازی را صادر کرد و از کشورها خواست تا این اقدام‌ها را به رسمیت نشناسند (UN.res2334, 2016, para: 1-3). اسرائیل علناً طرح‌هایی برای جابجایی یا اخراج هزاران فلسطینی که در حال حاضر در منطقه ج ساکن هستند، در دست اقدام دارد. اجرای چنین طرح‌هایی مستلزم انتقال اجباری خواهد بود (A/HRC/34/39, 2017, para: 44).

فرجام سخن

طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم بر اشغال، اصل سکونت شهرک‌نشینان مناطق اشغالی فلسطین با موازین حقوق بین‌الملل مغایر است. انتقال جمعیت غیرنظامی به مناطق اشغالی توسط اشغالگران نقض مواد متعدد کنوانسیون‌های ژنو است. با توجه به حاکمیت قوانین نظامی در مناطق اشغالی و تبعیت شهرک‌نشینان از این قوانین، اقدام‌های خشونت‌آمیز شهرک‌نشینان علیه فلسطینیان یعنی مشارکت عملی آنان در اقدام‌های نظامی اشغالگران علیه ساکنان فلسطینی آن مناطق، کمک به تغییر ترکیب

جمعیتی، کمک به نقض حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین موجب می‌شود که اینان وصف غیرنظامی خارج شوند و عملاً در اختیار اقدام‌های رژیم صهیونیستی قرار گیرند. همچنین گزارش‌های متعدد نهادهای سازمان ملل نشان داد که اسرائیل عمداً شهروندان خود را در شهرک‌های مناطق اشغالی ساکن کرده است. این اقدام‌های نقض صریح قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت و نیز مجمع عمومی بوده است. صرف‌نظر از این‌که نفس این امر نقض مستمر صلح و امنیت بین‌المللی است، ثابت شد که نقض مقررات متعدد حقوق بشر دوستانه، کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل اول الحاقی راجع به عدم استفاده از جمعیت غیرنظامی به‌عنوان سپر انسانی است.

دیگر نتیجه حاصل از مقاله حاضر این است که شهرک‌نشینان اسرائیلی در صورتی‌که با میل و رغبت خود در مناطق اشغالی که منطقه جنگی محسوب خواهد شد حاضر شده باشند تا با سوءاستفاده از مقررات راجع به حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه از حملات نیروهای فلسطینی جلوگیری کنند نه تنها سپر انسانی بلکه رزمنده محسوب خواهند شد؛ زیرا این امر خود به‌نوعی مشارکت مستقیم در درگیری‌ها است.

References

- Bouchie' de Belle, S. (2008). Chained to cannons or wearing targets on their T-shirts: human shields in international humanitarian law, *International Review of Red Cross*, 90(872).
- Dinstein, Y. (2008). Distinction and Loss of Civilian Protection in International Armed Conflicts, *Israel Yearbook on Human Rights*, Volume 38.
- Dinstein, Y. (2009). *The International Law of Belligerent Occupation*, New York: Cambridge University Press, second edition.
- Hasan S., A. (2016). Reserch Report Commissioned by Premiere Urgence International (PUI) and MÉDECINS DU MONDE, External Reserch Consultant. In: <https://www.premiere-urgence.org/en/tenders-and-consultancies/consultancies/>
- Henckaerts, J.M. (2021). Deportation and Transfer of Civilians in Time of War, *Vanderbilt Law Review*, in:

- <https://scholarship.law.vanderbilt.edu/vjtl/vol26/iss3/2>
- Roberts, A. (1990). Prolonged Military Occupation: The Israeli-Occupied Territories Since 1967, *The American Journal of International Law*, 84(1): Published by: American Society of International Law.
- Kellerman, A. (1993). Society and Settlement: Jewish Land of Israel in the Twentieth Century, SUNY Series in Israeli Studies, Albany: State University of New York Press.
- Kolb, R. and Hyde, R. (2008), An Introduction to the International Law of Armed Conflicts, Oxford, Portland, Oregon, Hart.
- Levy, Y. (2023). Lines Increasingly Blurred Between Soldiers and Settlers in the West Bank, in: <https://foreignpolicy.com/2023/11/09/west-bank-palestinians-israeli-settlers-attacks-idf/>
- Médecins du Monde. (2014). Trapped Between Settlements in Palestine Villages around Yitzhar and Bracha Settlements, in: <http://mdm-me.org/wp-content/uploads/2014/11/FACTSHEET-EN-8-10.pdf>
- Michael, L. (2023). Settlements Are the Engine of Israel's 'Forever Occupation'—and a War Crime, Democracy In Exile, Israel-Palestine, Palestine, in: <https://dawnmena.org/settlements-are-the-engine-of-israels-forever-occupation-and-a-war-crime/>
- Rajab-Nejad, N, Akhbari, M, Yezhni, A. (2021). Security explanation of settlements in the West Bank with a telespatial approach, 2000-2020, *Geopolitics Quarterly*, 17(3).
- United Nations Country Team. (2021). Gaza in 2020, A liveable place? A report by the United Nations Country Team in the occupied Palestinian territory, In: <https://www.un.org/unispal/document/auto-insert-195081/>

Documents

- A/HRC/29/CRP.4. (2015). Report of the detailed findings of the independent commission of inquiry established pursuant to Human Rights Council resolution S-21/1.
- A/77/328 (2022). Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel, 14 September.
- A/HRC/34/39, (2017). Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan. 13 April.
- A/Res/2851 (XXVI). (1971). 20 Dec.
- A/RES/3005/(XXVII), (1972). 15 Dec.
- A/RES/32/5. (1977).
- A/RES/47/172. (1992). 22 Dec.
- A/RES/ES-10/3. (1997). 15 July.



- A/RES/ES-10/4. (1998).13 Nov.
 A/RES/58/98. (2003).9 Dec.
 A/RES/59/123, (2004). 10 Dec.
- documents received from the Secretariat of the United Nations. (2023).
 Material relating to the Request by the General Assembly for an Advisory
 Opinion of the Court in: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/186/186-20230531-req-01-02-en.pdf>.
- Case, targeted killing. HCJ 769/02 (2005). The Supreme Court Sitting as the
 High Court of Justice of Israel.
 Secutity council. (1979). Resolution 446.
 Secutity council. (2016). Resolution 2334, 23 Dec.
 Secutity council. (1967). Resolution 242, 22 November.
- ICJ reports. (2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall in the
 Occupied Palestinian Territory.
- International Court of Justice Request for Advisory Opinion. (2022). Legal
 Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the
 Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, transmitted to
 the Court pursuant to General Assembly resolution 77/247 of 30
 December, in: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/186/186-20230117-REQ-01-00-EN.pdf>
- Israel Ministry of Foreign Affairs. (2001). 'Israeli Settlements and
 International Law' in: <http://tinyurl.com/2jlg3>
- OCHA, Protection of Civilians Report. (2022). -27 September - 10 October-,
 in: <https://www.ochaopt.org/poc/27-september-10-o>
- UN.DOC. GA/RES/12/48. (2009). in:
<https://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/12session/a-hrc-12-48.pdf>.
- https://www.icrc.org/en/doc/assets/files/other/icrc-241_0368-summary-geneva-conventions-fas.pdf.